مرور خاطرات سرهنگ خلبان «ابراهیم رحیم نواز»

ماجرای انهدام سایت موشکی عراق توسط خلبانان هوانیروز

«آتش نیروهای دشمن به سمت من متمرکز شد و من با مانورهای سنگین با فاصله چند متری زمین از هدف دور شدم. خلبان تقوی زاده از فرصت استفاده کرد و با اجرای غافلگیری به سایت حمله‌ور شد و در یک حمله چندین راکت را به سمت سایت شلیک کرد. من با ادامه چرخش دیدم راکت‌ها به سمت سایت شلیک کرد. تقوی زاده قرار گرفتم و با پوشش آتش، به پرواز ادامه دادم...»

عشق به ایثار و از خودگذشتگی مردانی که در سخت‌ترین روزهای این سرزمین ایستادند، سختی کشیدند، عشق ورزیدند و صبوری کردند و هزار قصه عشق سر دادند تا محصول آن روزها و عشق‌ها عزت و آزادی امروز ما باشد، در وجودمان جاری است و در پرتو آن عشق‌ها، عزت امروز ما فراهم شده است. یکی از آن مردان عشق، خلبان بازنشسته هوانیروز ارتش «ابراهیم رحیم نواز قزوینی» است که در این گفت و گو از خاطراتش برایمان می گوید. او ابتدا خودش را معرفی می کند: من سرهنگ خلبان بازنشسته «ابراهیم رحیم نواز» متولد مردادماه ۱۳۳۴ هستم. در سال ۱۳۵۵ شوق پرواز و عشق به ایران مرا به دانشکده خلبانی هوانیروز در اصفهان کشاند تا پس از طی دوره‌های مختلف زمینی و پرواز به عنوان خلبان بالگرد شکاری، به کشورم خدمت کنم. از سال‌های آغازین دانش آموختگی ام، مهم ترین و حساس ترین روزهای تاریخ کشورم رقم خورد که موفق شدم با تلاش، در دفاع از خاک کشورم، نقش آفرینی کنم و در سال ۱۳۸۳ به عنوان استاد خلبان بالگرد شکاری کبرا به شرف بازنشستگی نائل شدم.

ظاهرا دانش آموختگی شما مصادف شده با پیروزی انقلاب و پس از آن، فتنه‌ها و درگیری‌ها و سپس جنگ تحمیلی. از آن روزها برایمان بگویید.

بله آن روزها را دوست دارم چون سند افتخار و سربلندی من و همرزمانم در پیشگاه تاریخ کشورم محسوب می‌شود. چندی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که در شمال غرب توطئه‌ها و فتنه‌ها آغاز شد و من که همسرم به شدت بیمار بود و به پیگیری پزشکی ویژه نیاز داشت، همراه با همرزمانم برای رهایی از آن شرایط و جلوگیری از تکه‌تکه شدن کشورمان به شمال غرب پرواز کردم و در دفاع از مردم هیچ کوتاهی نکردم. آن روزها بسیار سخت و بسیار زود گذشت. تا شهریور سال ۵۹ من در پادگان ارومیه مامور بودم. یکی از آن روزها، با خلبانان هم پرواز م شهیدان نمکی و حمید علی مدد در حال بازدید از بالگردهایمان بودیم که ناگهان صدای غرش بمب افکن‌ها و صدای نامیمون هجوم دشمن به گوشمان رسید. همان روز دستور پرواز ما به اصفهان برای تعویض وسایل پرنده و حرکت به خوزستان صادر شد. به اصفهان پرواز کردیم و در حالی به اصفهان رسیدم که همسرم در بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان تحت دیالیز بود. فقط توانستم نیم ساعت او را ببینم. هنوز بارش اشک‌های همسرم را به یاد دارم و کلمات پر غیرتش را که به زانوان مردد من درس و دستور ایستادگی و حرکت داد.

همسرم بسیار ناخوش بود، دلم لرزید. از یک سو همسرم در بستر بیماری بود و از سویی دوستانم در باند پرواز آماده پرواز به سوی نبرد. فرشته فداکار زندگی من، مرا قسم داد که برو و گفت: اگر من ناموس توام، ایران هم ناموس توست. خوزستان هم ناموس توست. اینجا پرستاران و پزشکان هستند و به داد من می‌رسند ولی خوزستان تو را می‌خواهد و من رفتم، پرواز کردم همراه دوستانم و به اهواز رسیدم. بر رسی اولیه صحنه نبرد انجام شد و من و گروه پر تعدادی از خلبانان، دفاع از محورهای کرخه، دزفول، اندیمشک و شوش را عهده‌دار شدیم. از پایگاه هوایی دزفول، پرواز هایمان را سر و سامان دادیم و این آغاز هشت سال دفاع مقدس و جانانه از کشور عزیزمان بود.

در کدام محور پرواز می کردید؟ کارتان چگونه بود؟

در اول جنگ همین تیم آتش که عرض کردم، از دزفول پرواز می کردیم. در پشت کرخه از علی گره زد می‌شدیم و در دشت عباس، امان نیروهای زرهی دشمن را می بریدیم. گروه پروازی ما چهار تیم آتش بود. به گونه‌ای برنامه ریزی می کردیم که هر لحظه یک تیم آتش بالای سر دشمن در حال اجرای آتش باشد؛ از نوک، از بغل و از پشت. در همان روزها، از تیم دوم آتش هوایی خلبان صلاح لوو خلبان نمایان مورد اصابت موشک دشمن قرار گرفتند و شهید شدند. یک ماه بعد؛ یعنی ۲۰ آبان ۵۹ نیز ماموریت انهدام سایت موشکی دشمن در رقابیه را به تیم ما دادند. کاملا سیال در سر تا سر خوزستان بنا بر نیاز پرواز می کردیم.

خلبان رحیم نواز نفر اول از راست

در رقابیه چه کردید؟ خاطره‌اش را با ما در میان بگذارید.

با خلبان نجفی و خلبان تقوی زاده و خلبان گذاره، چهار پرواز مان را انجام دادیم. پدافند هوایی دشمن بسیار قوی بود، برای گریز از آن، چسبیده به زمین پرواز می کردیم. اول من به هدف رسیدم. کمک من خلبان بحرینی بود. با چند چرخش پرنده را در جهت هدف قرار دادم. با یک رگبار سنگین توپ ۲۰ میلی متری، هدف را مورد اصابت قرار دادم و با یک چرخش سنگین از هدف دور شدم. آتش نیروهای دشمن به سمت من متمرکز شد و من با مانورهای سنگین با فاصله چند متری زمین از هدف دور شدم. خلبان تقوی زاده از فرصت استفاده کرد و با اجرای غافلگیری به سایت حمله‌ور شد و در یک حمله چندین راکت را به سمت سایت شلیک کرد. من با ادامه چرخش شدید، پشت تقوی زاده قرار گرفتم و با پوشش آتش به پرواز ادامه دادم. تقوی زاده همه راکت‌هایش را زد و من با ادامه پرواز همه راکت‌هایم را با هم روی منطقه هدف شلیک و با یک چرخش دیگر به سمت نیروهای خودی پرواز کردم. سایت منهدم شده بود و نیروهای زخم خورده عراقی بی وقفه انواع آتش‌ها را به سمت ما روانه کرده بودند. در این هنگام گلوله توپی روی زمین، زیر بالگرد من منهدم شد و شدت موج انفجار به حدی بود که هدایت بالگرد را از دستانم خارج ساخت. شیر جه بالگرد م به سمت زمین با چنان شدتی بود که همه چیز را تمام شده فرض کردم. اما درست قبل از اصابت به زمین، دچار یک تکان بسیار شدید شدم و ناگهان بالگرد م جان گرفت و به هوا برگشت. عرق سردی بر سر و صورتم نشست و نفسم حبس شده بود، در حالی که با ادامه مانورها تلاش می کردم از صحنه نبرد دور شوم حس کردم دماغه بالگرد رو به بالا پرواز می کند. برایم عجیب بود. فرصت کنترل وجود نداشت. نگاهی سریع به نشان دهنده موتور و ملخ کردم، سالم بودند. نگرانی ام کمتر شد و به دور شدن از صحنه ادامه دادم. در رادیو تقوی زاده را صدا کردم. پاسخم را داد. از سلامتی اش خوشحال شدم و به سمت پایگاه پرواز کردیم. به هم که نزدیک شدیم، خلبان تقوی زاده به من گفت: «ابرام! دماغت خورده زمین. توپ و مسلسلت رو نیست.» و من علت تکان ناگهانی را متوجه شدم. و مدتی بعد که دشمن را مجبور به عقب نشینی در آن منطقه کردیم، توپ بالگرد من در منطقه مورد نظر پیدا شد.

ادامه نبردهایتان چگونه بود؟ تا چه سالی در مناطق عملیاتی پرواز کردید؟

همیشه در جنگ بودم. آخرین نبردهایم در هجوم ناجوانمردانه دشمن بعد از قبول قطعنامه بود. آنجا هم بودم. همیشه بودم. عاشق بودم. عاشق دینم و کشورم و مردمم و هرگز صحنه را ترک نکردم.

بعد از دفاع مقدس چه می کردید؟

استاد خلبان پایگاه چهارم هوانیروز بودم. تا روز آخر خدمتم پرواز کردم و هرگز از پرواز دور نشدم. تا اینکه در سال ۱۳۸۳ به کسوت بازنشستگی نائل شدم و هرگز به دیار خودم برنگشتم. در اصفهان ماندم و سال‌هاست که چشمم به آسمان است. پرواز ها و بالگردها را که می‌بینم حس می کنم پرواز خودم است. با صدایشان آرام می گیرم و حس غرور به من دست می دهد و برایشان دعا می کنم. دعا می کنم در دفاع از عزت اسلام و آزادی ایران عزیز موفق باشند و خدا پشت و پناهشان باشد.

جهاد گر شهید محمد تقی رضوی در روایت مادر، همسر و همرزم

همیشه می گفت هر چه داریم از همین محرومان و زحمتکشان است

گروه پلاک عزت- جاده سوسنگرد- اهواز خیلی ناامن بود و کاملا زیر آتش دشمن قرار داشت، انجام هر گونه عملیاتی در این منطقه مساوی بود با شهید شدن تعداد زیادی از رزمنده های ما. شرایط سخت شده بود و باید چاره‌ای اندیشیده می شد. هر نقشه ای طراحی می شد به بن بست می خورد. تنها مسیر پیشروی ایجاد یک راه جدید بود برای این کار باید یک نقشه مهندسی بدون کم و کاست طراحی می شد شهید محمد تقی رضوی داوطلب شد. او در رشته راه و ساختمان تحصیل کرده بود. جزئیات نقشه را توضیح داد و لودر ها و تجهیزات راه سازی برای ساختن یک راه امن وارد عمل شدند... در گزارش پیش رو بیشتر با شهید سید محمد تقی رضوی آشنا می شویم.

■ به اندازه وزن شیرینی پخش کردیم

مادر شهید محمد تقی رضوی می گوید: «... به مناسبت تولدش در روز جمعه، به اندازه وزن شیرینی در حرم مطهر امام رضا(ع) پخش کردیم، چون نوه اول خانواده بود خیلی عزیز شد. در مدرسه پسری متین، آرام و درس خوان بود، اما در خانه شلوغ بود. وقتی که کلاس پنجم بود، یک بار برای شکایت کردن از شلوغی هایش در خانه به مدرسه رفتم، مدیر دبستان شروع کرد به تعریف کردن از محمد تقی و گفت او بهترین شاگرد مدرسه ماست من از شکایت از محمد تقی منصرف شدم و به خانه بر گشتم. بعد از تمام شدن دوران دبیرستان، در انستیتوی مشهد در رشته راه و ساختمان قبول شد و بعد از دو سال فوق دیپلمش را گرفت. پدرش به او پیشنهاد داد که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور برود اما او پیشنهاد پدرش را، رد کرد و گفت: «ما جوان‌ها با اسلام خو گرفته‌ایم و نمی‌توانیم در کشور بیگانه زندگی کنیم». بعد از تحصیل به خدمت سربازی رفت. بیشتر از شش ماه از خدمتش نگذشته بود که به فرمان حضرت امام خمینی(ره) که فرموده بودند سربازها پادگان‌ها را تخلیه کنند نه تنها خودش از پادگان فرار کرد بلکه دوستانش را هم به این کار تشویق کرد. بعد از پیروزی انقلاب، دوران سربازی را به پایان رساند و بعد از تأسیس جهاد سازندگی در آنجا فعالیت و جهاد تربت حیدریه را پایه گذاری کرد. هنوز ۲۰ روز از آغاز جنگ نگذشته بود که محمد تقی در جبهه‌ها حضور یافت و در ستاد دکتر چمران شروع به فعالیت کرد. بعد از مدتی به مشهد آمد و با دختر دایی اش ازدواج کرد...»

■ اسمش در راس اعدامی‌ها بود

مادر شهید رضوی در ادامه می گوید: «محمد تقی از همان دوران کودکی فعالیت های سیاسی اش را به صورت مخفیانه با تکثیر عکس رهبر عالی قدر جمهوری اسلامی و جمع آوری و توزیع نوارهای سخنرانی، کتاب ها و رساله ایشان شروع کرد. او به شدت با گروه گرایی، جناح‌بندی و صف‌بندی بین نیروهای حزب‌اللهی مخالف بود. به ورزش و کوهنوردی علاقه خاصی داشت و آن‌ها را به عنوان وسیله‌ای برای بیان اعتقادات مذهبی خود به کار گرفت و از این طریق دانشجویان و دوستانش را جذب و وارد فعالیت‌های سیاسی- مذهبی کرد. در جریان پاکسازی شهر مشهد از نیروهای ساواک و اشغال اداره ساواک، فعالانه شرکت کرد و بعد از آنکه پرونده‌های متهمان و محکومان به اعدام در دست امت حزب‌ا... افتاد نیروهای انقلابی دیدند که نام محمد تقی در رأس فهرست اعدامی‌های رژیم گذشته قرار دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ به سوی جبهه‌های استقلال و خود کفایی میهن اسلامی رفت و با عضویت در کمیته انقلاب اسلامی استان خراسان در تشکیل اولیه این نهاد سهیم بود. به دنبال فرمان تاریخی امام خمینی(ره) مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی، چون تکنسین راه و ساختمان بود، تخصص خود را در جهت رفع محرومیت‌ها و کمک به مستضعفان روستاها به کار گرفت و به عضویت جهاد خراسان درآمد.

■ جهادگری خستگی‌ناپذیر

بعد از شروع غائله کردستان به آنجا رفت و به یاری انقلاب در منطقه کردستان پرداخت و بعد از شروع تجاوز رژیم بعثی صهیونیستی عراق به مرزهای کشور، به عضویت ستاد جنگ‌های نامنظم دکتر چمران درآمد. بعد از مدتی به علت تجربیاتش در راهسازی، اولین تجربه عملی خود را در زمینه مهندسی رزمی با پشتیبانی جهاد سازندگی خراسان شروع کرد و احداث جاده نظامیه، اندیمشک تا حمیدیه در زیر دید و تیررس دشمن، اولین اقدام حیاتی و کارساز مهندسی جنگ بود.

■ در روایت همرزم

یکی از همرزمانش در رابطه با شهید بزرگوار رضوی چنین می گوید: در عملیات خیبر رزمندگان اسلام در جزایر مجنون با دشمن درگیر بودند و هیچ ارتباطی با عقبه نداشتیم، با مشکلاتی مواجه شده بودیم. نیروهای نظامی از ما می‌خواستند که تدبیری بیندیشیم. دستور از سوی فرماندهان ابلاغ شد که جهاد به منطقه رفته تا مشکل را حل کنند تا هواپیماهای ما بتوانند در آنجا نیرو پیاده کنند.

شهید رضوی مصمم بود که این کار را انجام دهد حتی با اصرار بعضی از دوستان برنگشت و این در حالی بود که همه ما یقین به نیامدن او داشتیم. ایشان نیز منطقه را درک کرده بود و می دانست که برود، برنمی گردد یعنی موقعیت زمین و آتش و منطقه طوری بود که هر کس می‌رفت برگشتن برایش سخت بود با این همه وقتی در چهره ایشان دقیق می شدیم چیزی جز شجاعت و شهامت نمی دیدیم.

اطلاعات کلی شهر هنگ کنگ

کد کشور: ۸۵۲
ساعت گرینویچ: ۸ ساعت جلوتر از گرینویچ است
واحد پول: دلار هنگ کنگ
زبان اصلی: چینی
هنگ کنگ شهری است جزیره ای در چین که تا سال ۱۹۹۷ مستعمره بریتانیا بود.منطقه هنگ کنگ یکی از دو منطقه تقسیماتی ویژه در جمهوری خلق چین است. منطقه دیگر ماکائو است. منطقه هنگ کنگ در شرق دلتای رودخانه مروارید قرار گرفته و از سوی شمال با استان گوآنگ دونگ و از سوی جنوب یا دریای چین جنوبی هم مرز است. شهر هنگ کنگ که در سدهٔ نوزدهم همچون یک بندر بازرگانی عمل می کرد امروزه به صورت یک مرکز اصلی امور مالی در جهان درآمده است. هنگ کنگ یکی از شهرهای مطیع قانون دنیاست. نظم و قانون این جزیره گاهی عجیب به نظر می رسد.
هنگ کنگ از سال ۱۸۴۲ تا ۱۹۹۷ جزو مستعمرات پادشاهی بریتانیا بود و در سال ۱۹۹۷ به خاطر انقضاء پیمان قبلی به جمهوری خلق چین پیوست. بر پایه قانون مقرر، قرار است هنگ کنگ تا سال ۲۰۴۷ از درجه بالایی از خودمختاری برخوردار باشد
هنگ کنگ که به آن منطقه ی ویژه ی اداری می گویند واقع است در جنوب چین ودریای چین جنوبی که مرکزآن نیز شهر هنگ کنگ است.مساحت هنگ کنگ ۱۰۹۲ کیلومتر مربع وجمعیت آن نزدیک به ۷ میلیون نفر است . درحال حاضر چین،هنگ کنگ را جزء لاینفک خاک خود می داند و داشتن پرچم مجزا دلیل بر استقلال کامل منطقه هنگ کنگ نیست واهمیت هنگ کنگ نیز به دلیل منطقه آزاد اداری، تجاری وبازرگانی بودن آن است .
هنگ کنگ شامل جزیره هنگ کنگ،جزیره استون کاتزر " سنگ تراشان " ،شبه جزیره کاولون وچندین جزیره ی بزرگ وکوچک دیگر می شود.
واحد پول هنگ کنگ ، دلار با واحد جزء (سنت) نام دارد.درحال حاضرهنگ کنگ یکی ازقطب های اقتصادی بزرگ دنیاست، تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۷ میلادی ۲۹۳ میلیارد دلار تخمین زده می شود . هنگ کنگ از بزرگ ترین مصرف کنندگان برق در دنیاست به طوری که این منطقه کوچک سالانه ۳۸میلیاردکیلووات ساعت برق مصرف می کند.اقتصاد هنگ کنگ یک اقتصاد پویاست،ازمهمترین صادرات هنگ کنگ می توان به گوشت خوک،ماکیان،ماهی تازه،منسوجات،پوشاک،لوازم الکرونیکی،صنایع پلاستیکی،اسباب بازی و انواع ساعت اشاره کرد.ازمهمترین صنایع هنگ کنگ نیزتوریسم،بانکداری و کشتیرانی را می توان نام برد .

مناطق دیدنی شهر هنگ کنگ

دیزنی لند هنگ کنگ / ارتفاعات ویکتوریا / جزیره لانتائو / برج ساعت هنگ کنگ / موزه هنرهای هنگ کنگ / مرکز مالی بین المللی
امیدواریم از این اماکن دیدنی شهر هنگ کنگ لذت کافی را برده و سفر خوشی را برای شما آرزو میکنیم.

جاذبه های گردشگری کوالالامپور

مالزی یکی از مدرن ترین کشورهای آسیای جنوب شرقی است و تنوع فرهنگی زیادی دارد. پایتخت آن نیز کوالالامپور است.شهر زیبای کوالالامپور در ساحل غربی شبه جزیره مالزی واقع شده است. این شهر تلفیقی از فرهنگ و سنت قدیمی و بافت مدرن شهری است و بیش از ۴۰ خط هوایی وهمچنین بندری نیزبه نام"کلنگ"در فاصله ۴۱ کیلومتر مرکز شهر دارد. این شهر، سرویس حمل و نقل داخل وبیرون شهری خوبی داردومی توان از انواع وسایل نقلیه همچون مترو، اتوبوس، قطار یا تاکسی استفاده کرد.این جاذبه گردشگری آسیایی در فاصله ۳۵ کیلومتری از دریا قرار دارد و فرهنگ آن ترکیبی از سه فرهنگ اصلی مالایی، چینی و هندی است. درکوالالامپور،درکنارساختمان هایی باقدمت صدساله می توانیدآسمان خراش های مدرن رابببینید.به همین دلیل،گردشگرانی که به این شهر مسافرت می کنند، مایلند دوباره به آن سفر کنند.آب و هوای کوالالامپورگرمسیری است.هوای گرم این شهربا باران های سنگین همراه است ودمای هوا گاهی به بیش از۳۵درجه می رسد.کوالالامپوریکی ازدیدنی ترین شهرهای دنیابه شمارمی رود. با مسافرت به کوالالامپور می توان ازهرساعت اقامت خوددرآن شهرلذت برد. محله چینی ها، روستای فرانسوی، پارک دریاچه، موزه ملی، برج های دوقلوی پتروناس و...همه جاذبه های بسیار زیبای این شهر هستند.

برج‌های دوقلوی پتروناس

یکی ازجاذبه های اصلی شهرکوالالامپور برج های دوقلوپتروناس‌هستند. این برج ها طراحی وساخت منحصربه فردی دارندو محلی برای تفریح و تجارت هستند.یکی از جاذبه های برج های دوقلوی پتروناس، پل آسمان است که در طبقه های ۴۱ و ۴۲ قرار دارد.

آکواریوم KLCC کوالالامپور

این که بدانید در دنیای زیرآب چه می گذرد بدون شک برای هر فردی جالب وزیباست.آکواریوم KLCC یکی ازبزرگ ترین و مشهورترین آکواریوم های دنیاست.دراین آکواریوم ماهی هایی زندگی می کنند که فقط در عمق دریاها می توان آنها را پیدا کرد.در این آکواریوم انواع ویدئو پروژکتورهاو تجهیزات پیشرفته دیگری وجود دارند که اطلاعات نادر و کاملی در مورد موجودات زیرآب در اختیار گردشگران قرار می دهد.

پارک آبی سان‌وی

پارک آبی دوست داشتنی شهر کوالالامپور است. این پارک به دلیل محیط بسیارسرسبزوطبیعت زیبا وساحل های شنی(یکی از زیباترین ساحل های ساخته شده به دست انسان)،هرساله گردشگران فراوانی را ازسراسردنیابه سمت خودجذب میکند.سان‌وی مرکز خرید زیبایی دارد که به سبک معماری مصری ساخته شده است. در آن، زمینی نیز برای پاتیناژ وجوددارد.موج سواری روی آب یکی از اصلی ترین جاذبه های پارک آبی سان وی کوالالامپور است. ترن هوایی های هیجان انگیز، پل معلق که ۴۲۸ متر ارتفاع دارد.

جاذبه های گردشگری روسیـــه

مردم روس نژادی از نژادهای اسلاو شرقی هستند، که مردمان این نژاد عمدتاً در روسیه و کشورهای همسایه سکونت دارند. نام روسیه از همین نام منشأ گرفته‌است. روس‌ها به زبان روسی سخن می‌گویند. جمعیت این گروه قومی در روسیه ۱۱۵،۸۸۹،۱۰۷ نفر و با احتساب سایر کشورها این رقم به ۱۵۰ میلیون نفر می‌رسد. روسیه پهناورترین کشور جهان است که در شمال اوراسیا قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی؛ و نیز با دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد. روسیه با ۱۷،۰۷۵،۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است. پهناوری روسیه دو برابر مساحت کانادا یا چین یا ایالات متحده آمریکا است. این کشور در عرضهای بالای جغرافیایی واقع شده‌است و بیشتر مناطق کشور سردسیر و کم بارش است. به همین دلیل بیشتر مناطق این کشور (به ویژه سرزمین بزرگ سیبری) خالی از سکنه هستند و کشاورزی در این مناطق میسر نیست. پایتخت روسیه شهر مسکو است که در باختر و بخش اروپایی کشور است و بزرگترین شهر اروپا است.

دیـدنیـهای روسیه
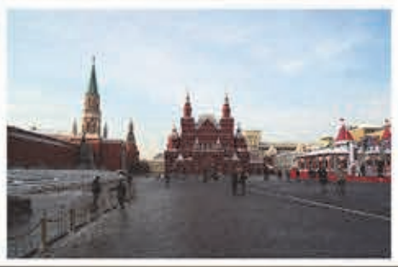
-دریاچه بایکال:این دریاچه،عمیق ترین دریاچه جهان است،که درشرق سیبری واقع شده است.با زلال ترین آب دریاچه روی زمین، این دریاچه۱۵۰۰متر عمق دارد.دره های آب افشان،صدها آب فشان که بخاروآب ازآن خارج میشوددراین منطقه که نام آن کامچاتکا است قرارگرفته اند.این محل درآثارمیراث جهانی یونسکونیزبه ثبت رسیده است.
-اثر تاریخی مادر میهن: این مجسمه عظیم ویادبودگرانبها به یادکشته شدگان جنگ جهانی دوم ساخته شده است.این مجسمه با۸۵ مترارتفاع دوبرابر مجسمه آزادی در امریکا بوده و در کتاب رکوردهای گینس به عنوان بلندترین مجسمه تاریخی ثبت شده است، این زن نمادکشور روسیه است.
-کاخ پیترهوف:این کاخ توسط پیتراول درلوایل قرن۱۷میلادی درنزدیکی سن پترزبورگ ساخته شده است. این بنا بیشترین آمار جذب توریست در روسیه را دارد.
-کلیسای جامع سنت باسیل:کلیسای جامع‌سنت‌باسیل واقع درمیدان سرخ بی شک بنایی بی همتاست.هشت کلیساباگنبد های افسانه ای و رنگارنگ،دورتادورکلیسای چادری شکل مرکزی حلقه زده اند.
کاخ کرملین مسکو:یک قلعه تاریخی است که بصورت مجتمع درقلب شهرمسکوساخته شده و(از جنوب)برروددخانه مسکو(از شرق)بر میدان سرخ و (از غرب)به باغ الکساندرمشرف است.بنای این کاخ درسال۱۴۸۷به پایان رسید.نام مشهور این کاخ کرملین است(که بزبان روسی بمعنای دژ می‌باشد).
-قطب های جمهوری کومی:هیچ کس ازتاریخ دقیق ساخت یاآفریده شدن این بناهای عجیب اطلاعی دردست ندارد.البته دانشمندان معتقدند تنها دست توانای خداوندی توانددچنین اثری رابرجای گذاردبلندترین این صخره ها۴۲مترارتفاع داردودانشمندان میگویند قدمت آنها به ۲۰۰میلیون سال پیش باز می گردد.
-کوههای البروس:بلندترین نقطه روسیه این کوههاهستند،حتی برخی معتقدندبلندترین نقطه اروپا نیزکوههای البروس است.بسیاری از توریست ها برای اسکی و اسنوبرد هرساله به این کوهها می آیند. ارتفاع کوه البروس ۵۶۰۰ متر برآورد شده است.